

بررسی رابطه منافع ملی و الزامات ایدئولوژیک در سیاست خارجی

جمهوری اسلامی

ابوالحسن بکتاش*

چکیده

موضوع این نوشتار که با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای شکل گرفته حول محور چالش‌هایی است که بین منافع ملی و رویکردهای ایدئولوژیک در عرصه سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران واقع می‌شود؛ چالش‌هایی که موجب شده تا برخی مدعی شوند رویکرد نظام جمهوری اسلامی در دفاع از جنبش‌های اسلامی در منطقه، یک امر ایدئولوژیک به حساب می‌آید که با منافع ملی کشور هیچ سازگاری ندارد و به همین دلیل حکومت دینی و ایدئولوژیک در جهان امروز ناکارآمد است؛ به‌خصوص این‌که جمهوری اسلامی به دلیل رویکردها و مواضع ایدئولوژیک و نیز پیوند زدن سرنوشت مردم ایران با سرنوشت حزب‌الله و حماس، جنگی را نیز علیه ملت ایران به راه انداخته است، درحالی‌که بررسی دو رویکرد آرمان‌گرایانه و رویکرد واقع‌گرایانه در اندیشه و رفتار سیاسی و نیز توجه به مبانی فکری امام راحل و امام شهید، ما را در یک روش «تعامل هم‌افزا» به یک قدر جامعی رهنمون می‌سازد. جنگ تحمیلی سوم نشان داد که جمهوری اسلامی می‌تواند با وجود رویکردهای ایدئولوژیک به‌عنوان یک مصداق حکومت دینی در راستای تأمین منافع ملی کارآمد باشد و قدرت و اقتدار ملی آن فزونی یافته و نیز عظمت امت اسلامی هم را در پی داشته باشد.

واژگان کلیدی: منافع ملی، ایدئولوژی، مصلحت، امت اسلامی.

*. دکتری مدرسی انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم، abolhasan.baktash.a@gmail.com

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در دوران حکومت سوسیالیستی شوروی و سیاست‌های آن در برخی محافل رسانه‌ای و حتی دانشگاهی مورد توجه قرار گرفت، رویکرد ایدئولوژیک در مسائل سیاست داخلی و خارجی آن بود که بنابر باور برخی از منتقدان و مخالفان، سیاست‌ها و مواضع ایدئولوژیک موجبات ناکارآمدی سیاست‌های آن حکومت شد که در نهایت سقوط آن را فراهم کرد. همین ذهنیت درباره ایران پس از پیروزی انقلاب هم از سوی مخالفان سیاست‌های جمهوری اسلامی مطرح شد؛ یعنی کسانی که تحمل نظام ارزشی برخاسته از اندیشه شیعی و ولایی را نداشتند همواره با سیاست‌های برخاسته از ایدئولوژی انقلاب و نظام برآمده از آن مخالفت ورزیده و معتقدند که در سیاست خارجی باید از اتخاذ هرگونه موضع ایدئولوژیک پرهیز کرد. این‌ها همیشه نقش ایجاد شک و شبهه در پیروی از اصول ایدئولوژیک را برعهده داشته‌اند. برخی از این‌ها مدعی هستند که «ساخت امت اسلامی، هویت‌ها و منافع ملی را از بین می‌برد» چنان‌که برخی دیگر معتقدند «محوریت دینی، به‌جای ملی، خصلتی ایدئولوژیک دارد و نمی‌تواند با هویت ملی منطبق شود» و به همین دلیل حکومت دینی و ایدئولوژیک در جهان امروز ناکارآمد است و عده‌ای دیگر گفته‌اند حداقل در این جنگ فهمیدیم ایران انقلابی، ایران مبتنی بر ایدئولوژی را مدت‌ها باید کنار بگذاریم و از این پس اگر محور وحدت را ایران و منافع ملی قرار دهیم نه ایدئولوژی، چراکه حول محور دفاع از ایران، امکان ادامه انسجام اجتماعی وجود خواهد داشت و کشور مصونیت پیدا می‌کند (عمادالدین باقی، روزنامه شرق، ۱۴۰۵/۱/۳۰)؛ همچنین مطرح می‌کنند که دفاع از منافع ملی با اهداف آرمانی چون دفاع از فلسطین و لبنان نمی‌تواند سازگار باشد، درحالی‌که سیاست‌ها و کمک‌های ایران در جهت دفاع از آنان که در قالب عناوین مصالح امت اسلامی تعریف می‌شوند با منافع ملی سازگاری ندارند، همچنین آنان معتقدند که نگاه جمهوری اسلامی به مسائل، یک نگاه آرمان‌گرایانه محض است؛ ازاین‌روی با واقعیت‌های امور سیاسی بیگانه است و در نتیجه فاقد کارآمدی لازم است. چنین انتقادی در اصل مبتنی بر این پیش‌فرض است که میان نگاه واقع‌گرایانه با نگاه آرمان‌گرایانه تعارض و تنافی وجود دارد و چون نگاه اسلام به‌دنیای سیاست، یک نگاه آرمان‌گرایانه است فلذا





این‌گونه نگاه، با واقعیات دنیای سیاست و تحولات اجتماعی و روابط بین‌الملل کاری نداشته و صرفاً بر باید و نبایدهای ارزشی و ایدئولوژیک اتکا دارد و بالتبع منافع ملی دچار آسیب می‌شود و در جنگ تحمیلی سوم این موضوع خود را بیشتر نمایان کرد. البته برخی دیگر نیز معتقدند حکومت ایران هم مدت‌هاست که ایدئولوژی را در عمل چندان جدی نمی‌گیرد. آنچه در عرف سیاسی «عمل‌گرایی» رهبران ایران در سیاست خارجی خوانده می‌شود دقیقاً همین است: رنگ باختن ایدئولوژی اسلامی؛ یعنی دیگر ایدئولوژی نیست که راهبرد و رویکرد سیاسی حکومت را تعیین می‌کند، بلکه مقتضا و منطق «عمل» است که باید‌ها و نبایدها را پیش می‌گذارد (مهدی خلجی، مرگ ایدئولوژی اسلامی در ایران، بی‌بی‌سی).

آنچه از مطالب نقل شده درباره منافع ملی و رابطه آن با ایدئولوژی دریافت می‌شود این است که این دو مقوله با هم ناسازگار و ناهمخوانی‌هایی در عرصه سیاست داخلی و خارجی دارند که می‌تواند سیاست‌ها و تصمیمات نظام را همچون اتحاد جماهیر شوروی سابق با بن‌بست و یا ناکارآمدی‌های زیادی روبه‌رو کند، به همین دلیل در جنگ تحمیلی دوم و سوم برخلاف رویکردهای ایدئولوژیک نظام، به موضوع منافع ملی و نیز ملیت و اسطوره‌ها و نمادهای ملی و ایرانی بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

بنابراین در این نوشتار چالش و موضوع بر حول محور منافع ملی و رویکردهای ایدئولوژیک در عرصه سیاست داخلی و خارجی قرار دارد؛ از این‌روی ضروری است در ابتدا یک مفهوم‌شناسی از آن انجام گیرد و سپس چالش‌های مطرح درباره آن تبیین و با عنایت به دلایل و شواهد به موضوع پرداخته شود.

مفهوم‌شناسی

ایدئولوژی: ایدئولوژی را الگوهای عقاید و اظهارات نمادینی معرفی می‌کنند که جهان را تعریف، تفسیر و ارزیابی می‌کنند. ایدئولوژی همان نظام ارزشی سازمان‌یافته‌ای است که ویژگی‌های نظام آرمانی را ترسیم می‌کند و راه رسیدن به آن‌ها را می‌نمایاند. ایدئولوژی عبارت است از نظام فکری که شکل و طرح کلی رفتار انسان را تعیین می‌کند و به عبارت دیگر ایدئولوژی يك سلسله آراء كلي هماهنگ درباره رفتارهاي انساني است (مصباح یزدی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳)؛ بنابراین ایدئولوژی جامع و کامل که در اصطلاح قرآن شریعت نامیده

شده است يك فلسفه زندگي انتخابي، آگاهانه، آرمان‌خيز و مجهز به منطق است؛ يعني يك تئوري كلي، يك طرح جامع و هماهنگ و منسجم كه هدف اصلي آن كمال انسان و تأمين سعادت همگاني است (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۵۵)؛ از این‌رو ایدئولوژی در جامعه یک ضرورت است؛ چراکه اندیشه به محض آن‌که به ساحت باید و نباید وارد می‌شود خصليتي ایدئولوژیک به خود می‌گیرد، به همین دلیل حتي اندیشمندانی که از تنگناهای يك ایدئولوژی گریخته‌اند ناخودآگاه پذیراي ایدئولوژی بسیط‌تری شده‌اند.

منافع ملی: منافع ملي همواره تعیین‌کننده تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها از جمله سیاست خارجی کشورها محسوب و از عناصر کلیدی و حیاتی آن به‌شمار می‌آمده است که بعضی- آن را در حفظ موجودیت، استقلال، تمامیت ارضی و امنیت خلاصه می‌کنند (عامری، ۱۳۷۰، ص ۱۷۶). همچنین گفته‌اند: منافع ملی عبارت‌اند از مقاصد عملی که دولت‌ها در صحنه بین‌المللی دنبال می‌کنند؛ اگرچه این مقاصد متأثر از مقاصد عالی ملی است، لکن با توجه به امکانات و ظرف زمانی، اولویت‌بندی شده و صورت کاری پیدا کرده است (لاریجانی، ۱۳۷۷، ص ۵۱)؛ از این‌رو نباید منافع ملی را به این چند مؤلفه محدود کرد، بلکه آن را شامل اهداف ملی هم دانست که حیطة وسیعی از اهداف از جمله توسعه اقتصادی، منطقه نفوذ و دفاع از اتباع خود در خارج از مرزها و... را نیز در خود جای می‌دهد؛ بنابراین منافع ملی را می‌توان، چنین تعریف کرد: «هدف‌های عام و ماندگاری که یک ملت برای دستیابی به آن‌ها تلاش می‌کند» (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۳۸).

امت اسلامی: واژه «امت» از ماده «ام» به‌معنای قصد است. یأْمٌ لِلْهَدَفِ: قصد می‌کند به‌سوی هدف «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء، ۹۲). امت در قرآن به‌معنی جمعی است که جهت واحد دارند و منظور جماعتی است که افراد آن دارای یک مقصد و یک هدف باشند و برای این مقصد واحد، رابطه واحدی میان افراد برقرار باشد (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۸۵). امت به‌معنای خاص آن عبارت است از گروهی از مردم که باور به ارزش‌های مشترکی، آن‌ها را به‌هم پیوند می‌دهد که در رهبری یکپارچه و نظامی منسجم برای زندگی، پیکره می‌یابند (اراکی، ۱۳۹۷، ص ۱۳). البته برخی امت را جامعه‌ای می‌دانند که زیر پرچم هدایت یک پیامبر باشند و طبق این نگاه، «امت» در اصطلاح، به

جماعتی از مردم گفته می‌شود که خداوند، برای آنان پیامبری مبعوث کرده و آنان به او ایمان آورده‌اند و از این رو با خداوند پیمان بسته و با او ارتباط یافته‌اند؛ خدای متعال می‌فرماید: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ؛ این امت شما، امت واحدی است و من پروردگار شما هستم، پس از (مخالفت فرمان) من بپرهیزید (مؤمنون، ۵۲).

بررسی چالش‌های منافع ملی و ایدئولوژیک بودن سیاست‌گذاری‌ها

درخصوص رابطه منافع ملی با رویکردهای ایدئولوژیک در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های نظام جمهوری اسلامی و نیز چالش‌های آن باید گفت اول این‌که وقتی از منافع ایران اسلامی سخن به میان می‌آید مقصود تنها جغرافیا و خاک نیست؛ چرا که این مشخصه‌ها برای دولت‌هایی که تنها کمتر از یک دهه نیز سابقه حیات دارند قابل تعریف است و علاوه بر این شاخصه‌ها، شاخصه‌های دیگری از جنس هویتی و تمدنی در واقع تمایزدهنده یک ملت و کشوری شناخته شده است که دارای سابقه چند هزار ساله در طول قرون و اعصار می‌باشد، تنها حفظ و صیانت از مرزهای جغرافیایی و زمینی این مرز و بوم نیست، بلکه امنیت وجودی ما که یکی از مؤلفه‌های منافع ملی به‌شمار می‌رود و حراست از کیان هویتی و تمدنی ایران اسلامی نیز بخشی از تأمین امنیت وجودی می‌باشد؛ علاوه بر این‌ها اسلام و انقلاب اسلامی نیز بافت هویتی ایران را پرمعناتر کرده است؛ بنابراین منافع ملی ما علاوه بر شاخصه‌های حیاتی آن همچون حفظ تمامیت ارضی، امنیت و... یقیناً در قالب حراست از هویت ملی، دینی و انقلابی ما معنا می‌یابد؛ از این‌روی چگونه می‌توان توجه به مصالح امت اسلامی و رویکرد ایدئولوژیک در عرصه سیاست را منطبق بر منافع ملی ندانیم.

دوم منافع ملی همواره از دو زاویه قابل مطالعه می‌باشد؛ از یک منظر دیدگاهی است که براساس مفاهیم هنجاری منافع ملی را مجموعه‌ای از ایدئال‌ها و آرمان‌های یک کشور می‌داند و از منظر دیگر دیدگاهی است که منافع ملی را با یک نگاه توصیفی و بدون توجه به ارزش‌های یک جامعه، آن را بر مصادیق عینی و واقعی منطبق می‌کند و ما نباید منافع ملی را از منافع ایدئولوژیک خود جدا سازیم؛ چراکه در غیر این صورت جمهوری اسلامی ایران محتوای خود را از دست می‌دهد.

جمهوری اسلامی اگر چه برپایه ایدئولوژی دینی بنا نهاده شده است، اما این گونه نیست که با واقعیات خارجی سروکاری نداشته و یا منطبق نباشد؛ به عبارتی در عین حال که سیاست در تفکر دینی، تقدس خود را از خدامحوری می گیرد، ولی نباید سیاستمدار را از واقعیات عینی جامعه دور سازد و قاعده عالم اسباب و مسببات را فراموش کند؛ بنابراین محاسبات دقیق در عالم سیاست و عمل کردن به آن با توجه به عالم خارج صورت می گیرد؛ چنانچه انبیا عظام و معصومین همین روش را داشته اند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای رسیدن به هدف مقدسش تشکیل حکومت داد و از طریق یک سیستم، زمینه های قوام و ثبات حکومت خود را در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی فراهم کرد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ با توجه به توکل به خداوند، از حفر خندق برای جلوگیری از نفوذ دشمن امتناع نورزید. از سلاح های پیشرفته آن روز برای توانایی بیشتر افرادش استفاده می کرد، برای تهیه مهمات و شمشیرهای خوب، هیئت به شهرهای مختلف می فرستاد؛ چنان که قرآن مقدس نیز با توجه به واقعیات موجود در هر زمان و با در نظر گرفتن عالم اسباب و مسببات، پیروان خود را به تهیه مدرن ترین اسلحه روز توصیه کرده و می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰). در همین راستا امام راحل رحمه الله و امام شهید رحمه الله در تمام سیاست گذاری ها و موضع گیری های سیاسی خودشان این دو امر را همواره مورد توجه خود قرار می دادند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون این امر محسوس است.

سوم این که منافع ملی در سه سطح «منافع حیاتی»، «منافع مهم» و «منافع جهانی» تعریف و تبیین می شود؛ می توان گفت سطوح منافع ملی از نظر رتبه اهمیت و حساسیت دارای مراتب می گردد که برای دستیابی و حفظ آن باید کوشید. البته اولویت و ارجحیت یک منعت ملی نیز تابعی از درجه اهمیت آن است؛ یعنی اولویت بندی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز برحسب میزان اهمیت آن ها صورت می گیرد؛ منفعتی که بالاترین درجه اهمیت و بیشترین ارزش را دارد، طبیعتاً از بالاترین اولویت و ارجحیت نیز باید برخوردار باشد؛ به عنوان مثال بقاء کشور جمهوری اسلامی ایران در صدر سلسله مراتب منافع ملی کشور و اولویت نخست قرار می گیرد. منافع حیاتی ارزش هایی هستند که به



خطر افتادن جدی آن‌ها ممکن است تهدیدی مستقیم برای موجودیت و حیات کشور ایجاد کند؛ از این‌روی برخورداری حکومت از ایدئولوژی باعث نمی‌شود تا منافع حیاتی را فدای مراتب بعدی آن نماییم (دهقانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵)؛ البته آنچه که درباره منافع ملی نباید غفلت کرد این است که اهداف ملی یکی از مؤلفه‌های منافع ملی به‌شمار می‌رود. در واقع برخاسته از ارزش‌های یک ملت می‌باشد و در جامعه ما ارزش‌ها همان ارزش‌های انسانی و دینی است که بخش قوام‌دهنده هویت ملی ماست که در قالب ایدئولوژی در عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی مطرح و نمایان شده است.

چهارم منافع ملی جمهوری اسلامی ایران همانند دیگر کشورها از دو دسته عناصر مادی و غیرمادی یا معنوی تشکیل شده است. منابع ملموس یا مادی به‌معنای شرایط یا امتیازات ملموس و عینی است؛ مانند تمامیت ارضی و توسعه اقتصادی، درحالی‌که عناصر معنوی یا غیرمادی منافع ملی شامل ارزش‌هایی مانند فرهنگ، استقلال، حاکمیت ملی و ایدئولوژی یا نظام ارزشی می‌شود؛ بدین‌خاطر در خصوص منافع ملی آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که منافع ملی ارتباط و به‌هم‌پیوستگی زیادی با هویت ملی در یک جامعه داشته و در حقیقت برآمده از هویت ملی مردم آن سرزمین است، به‌گونه‌ای که منافع ملی نه‌تنها جدا از هویت ملی یک جامعه نیست، بلکه اساساً شناخت منافع ملی مبتنی بر شناخت همین هویت می‌باشد. به تعبیری می‌توان گفت منافع ملی در یک جامعه با هویت ملی آن تعریف می‌شود و درک منافع ملی یک کشور مستلزم درک هویت ملی آن است؛ البته بدون تردید این هویت همان هویتی است که برآمده از ارزش‌های یک جامعه می‌باشد. منافع ملی هر کشوری براساس ارزش‌های حاکم بر آن می‌تواند تعریف و تبیین شود (لاریجانی، ۱۳۶۹، ص ۴۷) و به‌عبارتی این هویت برگرفته از مجموعه‌ای از ارزش‌های انسانی و دینی است که مردم آن را باور دارند و با آن رفتار خود را شکل داده‌اند؛ از این‌رو نمی‌توان منافع ملی را دور از هویت و ارزش‌های آن مردم دانست؛ چنان‌که امام راحل رحمته‌الله می‌فرمایند: «ملت ایران... از ارزش‌های بزرگی برخوردار است که بزرگترین آن مکتبی بودن و اسلامی بودن است... عزیزان من، باید بدانند که ارزش انقلاب هرچه بیشتر باشد فداکاری در راه تحقق آن ارزشمندتر و لازم‌تر است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۶۲).

پنجم توجه و تأکید بر مقولاتی چون ایرانی بودن و ملیت و نیز بهره‌گیری از نمادهای ملی منافاتی با رویکردهای ایدئولوژیک نظام ندارد؛ چرا که موجبات شناخت و انگیزش‌های هویتی را در جامعه به‌دنبال دارد. تأکید و افتخار بر هویت ایرانی که در واقع احساس تعلق به وطن و نیز فرهنگ ریشه‌دار آن می‌تواند روحیه خودباوری را در یک جامعه تقویت کند و این به‌معنای اصالت دادن به ملیت و تعلقات نژادی نیست، بلکه حفظ و حراست از حافظه تاریخی و ذهنی و نیز ارزش‌های حاکم بر جامعه را در پی دارد.

کارآمدی رویکردهای ایدئولوژیک و آرمانی در حوزه سیاست داخلی و خارجی

همان‌گونه که اشاره کردیم ارزش‌هایی که در قالب یک برنامه و یا باید و نبایدهای یک جامعه، ایدئولوژی را شکل می‌دهند، در واقع انسجام‌دهنده جامعه ما و نیز جهت‌دهنده در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها برای وصول به اهداف ملی می‌باشند. اهداف ملی که یکی از مؤلفه‌ها و از مراتب منافع ملی به‌شمار می‌رود، مراحل، سطوح و مراتبی دارد که تحقق امت اسلامی در قالب رویکردهای ایدئولوژیک تعارض و منافاتی با این منافع نخواهد داشت. این مطلب را در چند نکته مورد توجه قرار خواهیم داد.

۱. دین و ایدئولوژی باعث تقویت معنویت و روحیه ملی، انسجام اهداف و استراتژی‌ها و وحدت ملی و گسترش حوزه مشروعیت نظام سیاسی هم می‌شود. منافع ملی در یک کشور نمی‌تواند همواره پی‌ارتباط و جدایی از آن تعریف شود، بلکه دین و ایدئولوژی نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از گزینه‌های اساسی و تأثیرگذار در منافع ملی یک کشور به‌حساب آید؛ چنان‌که پیش از این گفتیم منافع ملی هر کشور با توجه به موقعیت، فرهنگ و ویژگی‌های خاص همان کشور تعریف می‌شود. منافع ملی، محدود به حفظ موجودیت، استقلال، تمامیت ارضی و امنیت نمی‌شود، بلکه هر آنچه که جزئی از اهداف ملی به‌شمار می‌رود را شامل می‌شود و این بسط و گستره منافع ملی به این دلیل است که اولاً مفهوم منافع ملی دارای بار ارزشی است و هر یک از دولت‌ها، دارای برداشت خاصی از منافع ملی هستند. ثانیاً رابطه مستقیمی میان حوزه اطلاق منافع ملی و میزان برخورداری دولت‌ها از قدرت و توانایی وجود دارد؛ یعنی با افزایش قابلیت‌های نظام، امکان دارد تعریف مجددی از هدف‌ها و منافع ملی به‌عمل آید. ثالثاً منافع ملی براساس ویژگی‌های ساختاری و مختصات



نظام ایدئولوژیک، تعبیر و تفسیر می‌شود (علی‌بابایی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۴). در حقیقت مصلحت و منفعت ملی يك کشور که مردمش خواهان اجرا احکام دینی و ارزش‌های آن‌اند، قطعاً ایجاب می‌کند تا دولتمردان آن کشور نیز ارزش‌های دینی را به‌عنوان بُعدی از ابعاد گسترده منافع ملی کشور خود پاس دارند. این نکته آن چیزی است که افرادی چون «هانس مورگنتا» به‌عنوان یکی از رئالیست‌های صاحب‌نظر در مسائل و روابط بین‌الملل هم به آن توجه کرده و معتقد هست که منافع ملی آمیزه‌ای از آرمان‌های يك کشور است که توسط حکومت‌ها تدوین و اجرا می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۱).

۲. اگر منافع ملی براساس اصول و ارزش‌های حاکم بر هویت ملی یک کشور تعریف شود، در واقع می‌توان درک درستی از ارزیابی بسیاری از اقدامات پیدا کرد و چرایی بسیاری از تصمیمات راهبردی را دقیق و منطقی برای جامعه شرح داد؛ چنان‌که امام خامنه‌ای رحمته‌الله فرمودند: «آن وقتی منافع واقعاً منافع ملی هستند که با هویت ملت در تعارض نباشند» (امام خامنه‌ای، ۹۶/۲/۲۲)؛ «منافع ملی بایستی با هویت ملی تطبیق داده شود، نه این‌که هویت ملی تابع منافع ملی قرار بگیرد» (همان)؛ «هویت ملی ما چه‌جوری تعریف می‌شود؟ ما ملتی هستیم مسلمان، ریشه‌دار در تاریخ و انقلابی؛ این هویت ما است. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما و انقلابی بودن ما سه عنصر اصلی است که هویت ملت ما را تشکیل می‌دهد» (همان). به‌بیان‌دیگر این هویت بیشتر با فرهنگ گره خورده است و فرهنگ یک جامعه به‌خصوص جامعه ما آمیخته‌ای از باورها و ارزش‌های انسانی و دینی و رفتارها و ایستارهای برآمده از آن است. این باورها و ارزش‌ها به‌طور تاریخی هویت ملی مردم ما را شکل داده‌اند؛ بنابراین باید توجه داشت که تنها عوامل مادی نمی‌تواند هویتی جمعی که همان هویت ملی می‌باشد را پدید آورد؛ چرا که هویت جمعی باید بار فرهنگی داشته باشد؛ برای مثال منافع اقتصادی مشترک نمی‌تواند این هویت را ایجاد کند، هیچ‌کس حاضر نیست صرفاً به‌دلیل منافع اقتصادی از سرزمین خود دفاع کرده و جان خود را به خطر اندازد، یا هیچ کس حاضر نیست که منحصرأً به‌دلیل منافع حقوقی با دیگری به وحدت و یگانگی برسد، به‌گونه‌ای که در راه آن بجنگد و از جان مایه بگذارد؛ پس آنچه وجه اساسی هویت را می‌سازد منافع مادی و اقتصادی نیست، بلکه ابعاد معنوی غیرمادی به‌طور جدی

از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت هستند که در رویکردهای ایدئولوژیک خودش را نشان می‌دهد؛ همان‌گونه که امام خمینی رحمه‌الله فرمودند: «اساساً فرهنگ و جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۲۴۳). بدون تردید فرهنگ اسلامی و خصوصاً شیعی به‌حدی در ایران در طول اعصار ریشه دوانده است که می‌توان گفت جزئی از هویت این مرز و بوم شده است. استاد شهید مرتضی مطهری در این رابطه می‌فرمایند: «هویت فرهنگی يك ملت، آن فرهنگی است که در جان‌ش ریشه دوانیده است و هویت ملی این مردم اسلام است...» (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۹۳) و ایدئولوژی هم برآمده از همین فرهنگ است که در قالب بایدها و نبایدها در جامعه شکل می‌گیرد و انسجام را در جامعه به ارمغان می‌آورد.

۳. به‌لحاظ عینی استقرار نظام جمهوری اسلامی توانسته است بیش از هر مقطع دیگری منافع ملی ایرانیان را تأمین کند؛ منافعی که از حفظ آب و خاک کشور تا دستیابی به انواع پیشرفت‌ها در زمینه‌های مختلف را شامل می‌شود. در نظام جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم حاکمیت ایدئولوژی اسلامی، پیشرفت‌های شگرفی در حوزه‌های مختلف رخ داده است که تأمین‌کننده منافع ملی است؛ به‌عبارت‌دیگر در نظام جمهوری اسلامی و به مدد ایدئولوژی دینی و عناصر برآمده از آن همچون ایثار، جهاد، شهادت، وحدت، نفی سلطه بیگانگان، استقلال‌طلبی، عزت‌خواهی، ذلت‌ناپذیری و... هم به اهداف دینی دست یافته‌ایم و هم منافع ملی تأمین شده است. در همین نظام به مدد ایدئولوژی دینی و عناصر برآمده از آن همچون ایثار، جهاد، شهادت، وحدت، نفی سلطه بیگانگان، استقلال‌طلبی، عزت‌خواهی، ذلت‌ناپذیری و... بسیاری از منافع ملی ایرانیان نیز مورد تقویت قرار گرفته است.

۴. رهبر شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمه‌الله در سیاست خارجی اساس هرگونه تعاملات خارجی دولت را در رعایت و توجه کردن به چهار اصل عزت، حکمت، عدالت، مصلحت و نیز مخالفت با سلطه‌پذیری از استکبار جهانی می‌دانند که سبب حفظ عزت استقلال و آزادی کشور خواهد شد. «اصل حکمت در سیاست خارجی» به‌معنای آن است که دولت اسلامی در عرصه بین‌الملل بر مبنای اهداف والای نظام اسلامی، حکیمانه و با جدیت رفتار و عمل کند و از روی احساسات و بی‌توجه به منافع ملت و شرایط لازم حرکت نکند. «اصل



مصلحت در سیاست خارجی» یعنی تصمیم و عمل بر مبنای عقل و در نظر گرفتن منافع ملت ایران و مدبرانه عمل کردن. رهبر شهید حضرت آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه می‌فرماید: «شعار عزت، حکمت، مصلحت را درست باید بفهمیم؛ اگر توانستیم این‌ها را عملیاتی بکنیم، سیاست خارجی ما همان چیزی خواهد شد که نیاز کشور به آن است و شایسته‌تر از جمهوری اسلامی است» (۱۳۹۲/۶/۶) و نیز می‌فرماید: «در کارکرد سیاست داخلی و خارجی‌مان، مسئله عدالت، محور است» (۱۳۸۳/۵/۲۵) و همچنین تأکید می‌فرماید: «در برابر هر سلطه‌طلبی با صلابت و قدرت ظاهر شوید؛ آن سلطه‌طلب هر که می‌خواهد باشد؛ امروز از همه متجاوزتر و وقیح‌تر، رژیم ایالات متحده آمریکا است؛ در مقابل این‌ها با صلابت ظاهر بشوید، با قدرت ظاهر بشوید» (۱۳۹۶/۵/۱۲). البته «این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد، با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جواهری و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است» (امام خامنه‌ای رحمته الله علیه، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۵. نظام جمهوری اسلامی برای حفظ منافع ملی به‌خصوص برای رسیدن به اهداف ملی برای تصمیم‌گیری عقلانی به اصول و قواعدی توجه داشته و دارد؛ چنان‌که برای حفظ منافع ملی توجه به اصولی لازم است که از جمله آن رعایت اصل تقدم اهم بر مهم است که درباره حفظ نظام و ام‌القرای اسلام نسبت به دیگر اهداف و مقاصد نظام جاری است؛ چرا که امام خمینی رحمته الله علیه درباره اهمیت بالای حفظ نظام فرمودند: «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با این وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود... از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند»؛ همین‌طور امام خمینی رحمته الله علیه به لحاظ ام‌القری بودن جمهوری اسلامی ایران و با یک نگاه واقع‌بینانه به این مهم می‌فرماید: «اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به همه ملت‌های اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملت‌های تحت ستم است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۳۴۵)، «... دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از

همة ملت‌های تحت ستم است» (همان، ج ۲۰ ص ۳۴۵) یا می‌فرمایند: «اصل، منافع ملت ایران است که باید به بهترین وجه رعایت شود» (همان، ج ۵، ص ۴۷۴)؛ چرا که مصالح دولت اسلامی و در مجموع منافع ملی می‌تواند از مصالح اسلام، مسلمانان و دیگر ملل محسوب شود؛ البته در سیاست‌گذاری‌ها و نیز در عرصه عمل چه در سیاست داخلی و چه سیاست خارجی، رعایت سطوح، مراحل و یا مراتب منافع ملی لازم است انجام گیرد و این مهم منافاتی با اهداف و آرمان‌های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و یا ایدئولوژی آن ندارد.

۶. این ملاحظات می‌تواند گویای این مهم باشد که در فرض تزامم ارزش‌های دینی و یا به اصطلاح ایدئولوژیک با دیگر گزینه‌های اساسی منافع ملی، در واقع این تزامم به معنای تزامم اجزاء يك مجموعه با یکدیگر خواهد بود که با توجه به تقدم و تأخر مراتب و سطوح آن، باید در جهت رفع این تزامم و یا تقدم یکی بر دیگری اقدام کرد؛ از این روی سزاوار است با توجه به عقلانیت دینی و مبانی تفکری امام راحل رحمه الله و امام شهید رحمه الله و نیز بررسی دو رویکرد آرمان‌گرایانه و رویکرد واقع‌گرایانه در اندیشه و رفتار سیاسی ایشان، به یک تعامل هم‌افزا برسیم؛ از این روی ناگزیریم قدر جامعی را از این دو رویکرد به دست آوریم؛ قدر جامعی که هر دو رویکرد را دربرگیرد. آن عنوان قدر جامع می‌تواند به اصطلاح «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» باشد که بر این مبنا می‌توان گفت جمهوری اسلامی با وجود همه دشمنی‌ها و فشارها و مشکلات و سختی‌ها با ایستادگی و مقاومت خود، امروز تبدیل به الگوی ایستادگی و مقاومت شده است و به رغم تجاوزات دشمن آمریکایی و صهیونی در جنگ تحمیلی دوم و سوم، دست از منافع ملی و نیز ایدئولوژی خود برنداشته و با مقاومت و پایداری از عزت و استقلال خویش دفاع می‌کند.

۷. امام خمینی رحمه الله در چارچوب مقتضیات زمانی و مکانی معاصر سعی دارند تا بر مبنای «عقلانیت دینی» افقی از آرمان‌گرایی را همراه با واقع‌گرایی در سیاست و حکومت ترسیم کنند. امام خمینی رحمه الله بر اساس مبانی دینی که پایه و اساس عقلانیت دینی را شکل می‌دهد می‌فرمایند: «من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کنیم... ما اعلام می‌کنیم که



جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۹۱-۹۲)، همچنین می‌فرمایند: «ما دفاع از همه مسلمین را لازم می‌دانیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۴۸۵)، «دفاع از نوامیس مسلمین و دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۴۸۶) و بر همین اساس امام خمینی رحمه الله فرمودند: «روابط خارجی ما براساس حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع اسلام و مسلمین است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۸۰). امام خمینی رحمه الله با تلفیق دو پایه سیاست خارجی حکومت اسلامی یعنی حفظ اسلام و نیز مملکت اسلامی به‌عنوان اسلامیت و ملیت می‌فرمایند: «دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی امری است که موقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۲۷۵)؛ چون امام خمینی رحمه الله حفظ ام‌القرای جهان اسلام را لازم می‌دانستند و بررسی بیانات و دیدگاه‌های امام راحل رحمه الله ما را به قاعده تدرج در اجرای سیاست خارجی رهنمون می‌سازد که دست‌اندرکاران در بسط محور ایدئولوژیک با رعایت قواعد تدرج و توانایی توفیق یابند (دهشیری، ۱۳۸۰، ص ۳۴۶ و ۳۴۷)؛ البته این «عقلانیت به‌معنای تسلیم نیست...، عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هرچه موفق‌تر شدن در رسیدن به این آرمان‌ها است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۱۹).

چنان‌که رهبر شهیدمان امام خامنه‌ای رحمه الله در این باره می‌فرمایند: «در نگاه به مسائل کشور... بایستی دو خصوصیت «آرمان‌گرایی» و «واقع‌بینی» را در نظر داشت. نگاهت‌ان نگاه آرمان‌گرا باشد. از آرمان‌ها پایین نیایید، کوتاه نیایید. نگاه باید نگاه آرمانی باشد، منتها با توجه به واقعیت. سقفی را معین می‌کنیم؛ منتها تکلیفی را که برای خودمان یا دولت یا مسئولین معین خواهیم کرد، بایستی با توجه به واقعیت‌های موجود باشد، منتها به طرف آن آرمان، تا این توانایی‌ها روزبه‌روز بیشتر شود. واقع‌گرایی به‌معنایی که در مقابل آرمان‌گرایی است، مطلوب نیست. ملاک این است که ما می‌خواهیم به آن آرمان‌ها برسیم؛ منتها در کنار این، واقع‌بینی لازم است. نباید دچار توهم شد. گاهی ممکن است انسان در تصمیم‌گیری، در آنچه که باید انجام بگیرد، دچار توهم باشد؛ خوب، این هم غلط است.

آرمان‌ها را باید در نظر داشت. پله‌ها را باید مطابق با واقعیت‌هایی که وجود دارد، یکی پس از دیگری چید و به سمت آن آرمان‌ها پیش رفت...» (امام خامنه‌ای در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸).

۸. با وقوع انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه و استقرار نظام جمهوری اسلامی به دلیل تأثیرات و بازتاب‌هایی که انقلاب اسلامی در منطقه داشت، حرکت‌ها و خیزش‌های مردمی در کشورهای منطقه شکل گرفتند که متأثر از انقلاب اسلامی بودند و به‌رغم مخالفت برخی دولت‌های منطقه حرکت‌ها و خیزش‌های مردمی شکل گرفتند که متأثر از صدور انقلاب و نفوذ ایران در این کشورها بودند. با شکل‌گیری این حرکت‌ها و جریان‌ات در فلسطین، لبنان، یمن، عراق و... علیه رژیم صهیونی جبهه مقاومت به‌وجود آمد و همین باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای ایفای نقش کند؛ یعنی نفوذ ایران اسلامی بعد از انقلاب و تأثیر آن بر کشورهای مسلمان غیرقابل انکار است. انقلاب اسلامی برای ما پایگاه و امکان بسیار مهمی در تأثیرگذاری ایجاد کرده است و این امر به‌معنای قدرت است (لاریجانی، ۱۳۷۷، ص ۵۵ و ۹۷) که تأمین‌کننده منافع ملی می‌باشد؛ البته منافع ملی از نظر دسترسی به مقاصد و نیز از نظر اهمیت آن، دارای سطوح و مراتبی است که مصالح امت اسلامی در قالب چارچوب‌های ایدئولوژیک هم در سطح و هم در مرتبه مناسب خود قرار دارند که البته می‌تواند با مراتب و سطوحی از منافع ملی تزامنی نداشته باشد؛ زیرا همان‌گونه که اشاره کردیم اهداف ملی کشور ما که ناظر به ارزش‌های انسانی و اسلامی است از منافع ملی شمرده می‌شوند. نکته قابل توجه این است که تحقق این سطوح به میزان دسترسی و یا «قدر مقدور» دیده شده‌اند و در این مرتبه با سطوح دیگر مزاحمتی ندارند؛ البته آنچه که درباره منافع ملی نباید غفلت کرد این است که جهت‌گیری تصمیم‌گیری‌ها نسبت به تأمین اقتضائات امت اسلامی و رویکردهای ایدئولوژیک برخاسته از ارزش‌های ملت بوده و در جامعه ما از ارزش‌های انسانی و دینی محسوب می‌شوند؛ از این‌روی بخشی از قوام‌دهنده هویت ملی ما هستند و در راستای دستیابی به اهداف ملی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های منافع ملی به‌شمار می‌آیند؛ زیرا آنچه ملاک عمل قرار می‌گیرد، در حقیقت با توجه و عنایت به «اصل قدر مقدور» است و با توجه به اصل



«عمل به قدر مقدور» می‌توان گفت هرکسی به میزان توانش تکلیف دارد و باید به آن عمل کند «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره، ۲۸۶)؛ از این روی امام خمینی رحمه الله فرمودند: «همه ما و همه کشور... مکلف هستیم، منتها هرکس به مقداری که مقدور است، همچنین برای دستیابی به اهداف ملی، اصل تدریج یا همان اصل تدریجی بودن امور مورد اهمیت قرار می‌گیرد؛ چنان‌که امام خمینی رحمه الله می‌فرمایند: «ما دفاع از همه مسلمین را لازم می‌دانیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۴۸۵)، «دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم» (همان، ج ۲۰، ص ۴۸۶)، «من به صراحت اعلام می‌کنم که [در] جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کنیم... ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است» (همان، ج ۲۱، ص ۹۱) و یا همچنین امام خمینی رحمه الله تأکید می‌کنند: «ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم... زیرا اسلام... پشتیبان تمام مستضعفین جهان است» (همان، ج ۱۲، ص ۲۰۲). در عین حال امام خمینی رحمه الله در عین پایبندی به اصول سیاست اسلامی و رویکردهای آرمانی و ایدئولوژیک، درباره اهمیت و جایگاه منافع ملی و منافع ملت فرمودند: «اصل، منافع ملت ایران است که باید به بهترین وجه رعایت شود»، (همان، ج ۵، ص ۴۷۴)؛ زیرا امام خمینی رحمه الله برای منافع ملی و منافع ملت جایگاه درخور توجهی قائل بودند؛ چنان‌که ایشان فرمودند: «... دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملت‌های تحت ستم است» (همان، ج ۲۰، ص ۳۴۵). بر همین اساس در نگاه شهید سرافراز حاج قاسم سلیمانی دفاع از جمهوری اسلامی دفاع از حرم دانسته شد.

جمع‌بندی

همان‌گونه که ذکر کردیم منافع ملی را نمی‌توان با مؤلفه‌هایی بیگانه از ارزش‌ها ترسیم کرد؛ چرا که منافع ملی با وجود اهمیتی که دارد نمی‌تواند بدون ارزش‌های حاکم بر جامعه لحاظ شود و همین ارزش‌ها و باورها هستند که ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه را شکل می‌دهند؛ یعنی همین ارزش‌ها و باورها اگر به‌صورت «برنامه عمل و یا باید و نبایدهایی در

تصمیم‌گیری» مطرح شوند. در واقع همان ایدئولوژی هستند که جامعه را منسجم نموده و اهداف آن را معین و یا تعیین جهت می‌دهند. این همراهی و انطباق به مراتب می‌تواند در اداره امور توانا تر و کارآمدتر نماید و این با یک روش «تعامل هم‌افزا» در جهان امروز جمع رویکردهای ایدئولوژیک و نیز منافع ملی نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه رویکردهای آرمانی و ایدئولوژیک راه را برای تأمین منافع ملی تسهیل و یا هموار می‌کند؛ چنان‌که مواضع و سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و نیز کمک‌ها و یاری رساندن آن به مردم فلسطین یک نوع تعامل و هم‌افزایی میان منافع ملی و رویکردهای ایدئولوژیک را در جهت ارتقا جایگاه جمهوری اسلامی ایران شکل داده است؛ چنان‌که اضلاع محور مقاومت در جنگ تحمیلی دوم و سوم در مقابله با تجاوزات آمریکایی و صهیونی، در دفاع از جمهوری اسلامی ایران وارد شدند و اساساً مواضع به حق جمهوری اسلامی و نیز رویکردهای ایدئولوژیک آن باعث گردید که با تمام وجود از حمایت‌های مردمی کشورهای مسلمان برخوردار شود، همدلی مردم مسلمان منطقه به‌خصوص مردم عراق، پاکستان و مقاومت لبنان و یمن و نیز همراهی دفاعی و نظامی گروه‌های مقاومت عراق و مقاومت لبنان در جنگ تحمیلی دوم و سوم گویای این است که رویکردهای ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی در جهت حفظ و نیز تأمین منافع ملی بسیار مؤثر و کارآمد بوده و جنگ تحمیلی سوم به خوبی نشان داد که تهدیدات و تجاوز دشمن با همین رویکردهای ایدئولوژیک در فرامرزهای ملی قابل پاسخ دادن می‌باشد، به‌گونه‌ای که حمایت‌های مردمی کشورهای منطقه را برانگیخت و دفاع همه‌جانبه جریان محور مقاومت را به‌دنبال داشت، این حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها و نیز دفاع آنان موجب افزایش قدرت و اقتدار ملی شد و از جانب دیگر رویکرد ایدئولوژیک و نیز حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های مقاومت در لبنان و عراق و نیز یمن، موجب تقویت جبهه مقاومت در منطقه گردید.

فهرست منابع

۱. اراکی، محسن، نظریه حکم در اسلام، ترجمه سیدامید مؤذنی، تهران: دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۷.
۲. جمعی از مؤلفان، مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱.
۳. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه، ۱۳۷۸.
۴. خمینی، روح‌الله، کلمات قصار، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه، ۱۳۸۸.
۵. دهشیری، محمدرضا، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، تهران: اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۶. دهقانی، سیدجلال‌الدین، هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در مجموعه جمهوری ایران اسلامی؛ داود کیانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
۷. روشندل، جلیل، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: سمت، ۱۳۷۴.
۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲.
۹. عامری، هوشنگ، اصول روابط بین‌الملل، تهران: آگاه، ۱۳۷۰.
۱۰. علی‌بابایی، غلامرضا، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷.
۱۱. کاظمی، علی‌اصغر، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، تهران: قومس، ۱۳۷۲.
۱۲. کیانی، داود، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
۱۳. لاریجانی، محمدجواد، درس‌های سیاست خارجی، تهران: مشکوة، ۱۳۷۷.
۱۴. لاریجانی، محمدجواد، مقولاتی در استراتژی ملی، مرکز ترجمه و نشر، ۱۳۶۹.
۱۵. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ایدئولوژی تطبیقی، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۱.



۱۶. مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، تهران: صدرا، ۱۳۸۱.
۱۷. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا، ۱۳۸۰.
۱۸. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام ایران، مجموعه آثار (۱۴)، تهران: صدرا، ۱۳۸۳.
۱۹. نخعی، هادی، توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران: مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶.